اسلام امروز و اسلام دیروز

حضرت آیة الله العظمی سید
محمد حسینی شیرازی (قدس سره الشریف)

بسم الله الرحمن الرحیم

اسلام دیروز و اسلام امروز

نویسنده:

محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

موسسه الارسول اکرم (ص)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اسلام دیروز و اسلام امروز

مشخصات کتاب

عنوان: اسلام دیروز و اسلام امروز

پدیدآورندگان: جلال شهیدی(مترجم)

حسینی شیرازی، محمد، ۱۳۰۵-۱۳۸۰.(پدیدآور)

ملکی، محمد، ۱۳۳۷-(ویراستار)

ناشر : موسسه رسول اکرم (ص)

نوع: متن

جنس: کتاب

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: تاریخ اسلام

احکام شرعی

ازدواج

مسلمانان

اسلام[۲]

پیشگفتار

دین اسلام، برای انسان از تولد تا مرگ و حتی برای سرای آخرت برنامه ای دارد که، متضمن سعادت دنیا و آخرت است، اگر امروز سعادت از مسلمان گرفته شده، به این خاطر است که مسلمانان، به ویژه زمامداران مسلمانان پای بند قوانین اسلامی نیستند. اسلامی که خداوند متعال آن را در قالب قرآن کریم فرو فرستاد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین علیهم السلام آن را در طول حیات خویش تبیین کردند، و در سیرهٔ عادلانهٔ خود به منصهٔ ظهور رسانیدند.

از آنجا که اسلام مجموعه ای کامل، و به هم پیوسته و شامل: اصول، فروع، فقه، عبادات، سیاست، اقتصاد، مدیریت و امور اجتماعی در دنیا و آخرت است لذا بر مسلمانان لازم است نسبت به همهٔ آنها به طور کامل پای بند بوده و به تمام جزئیات آن عمل کنند، زیرا براساس آن قاعدهٔ معروف منطق «الکل ینتفی بانتفاء جزءه». اگر بخشی از اسلام فرو گذاشته شود، به گذشت زمان همهٔ اسلام به فراموشی سپرده می‌شود.

اگر یکی از احکام اسلام هم، فوت شود، به هواپیمایی می‌ماند که بعضی از قطعات را ندارد در این صورت توان پرواز را، نخواهد داشت. بدیهی است در چنین صورتی، کوتاهی و عیب از دست اندرکاران راه اندازی هواپیما است نه از خود هواپیما.

اسلام نیز بی شباهت به این مسئله نیست، چنانچه برخی از احکام آن، اجرا نشود طبیعی است چنین دینی سعادت انسان را تضمین نمی‌کند، در این صورت سرزنشی متوجه دین اسلام نیست، بلکه متوجه کسانی است که احکام اسلام را به طور کامل اجرا ننموده اند.

عمل ناتمام به احکام اسلام

از آن جا که حکم و یا احکامی از اسلام ترک شود به مثابهٔ ترک همهٔ اسلام، به عنوان یک مجموعهٔ کامل است، لذا خداوند متعال کسانی را که به قسمتی از اسلام همچون: نماز و روزه عمل می کنند، و بخشی از آن را مانند: برادری ایمانی، یگانگی امت اسلامی، آزادی های اسلامی در زراعت، تجارت، کار، آبادانی، سفر و مانند آن را فرو گذارند به زبونی و خواری در دنیا و به رنج و شکنجه در آخرت وعده داده است، چنانچه در آیه شریفه می‌فرماید:
«افتؤمنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض فما جزاء من یفعل ذلک منکم الا خزی فی الحیاه الدنیا، و یوم القیامه یردون الی اشد العذاب، و ما الله بغافل عما تعملون، اولئک الذین اشترو الحیاه الدنیا بالاخره فلا یخفف عنهم العذاب و لاهم ینصرون».
این از آن جهت است که، زندگی دنیایی به بهای از کف دادن زندگی جاویدان حاصل شود، به یقین این نوع زندگی، زندگی خوش و آسوده ای نخواهد بود، بجز بدبختی و زیان چیز دیگری نیست. خداوند متعال می‌فرماید: «فما ربحت تجارتهم». و نیز می‌فرماید: «متاع فی الدنیا ثم الینا مرجعهم ثم نذیقهم العذاب الشدید»، همچنین می‌فرماید ...: « فان له معیشه ضنکا». «ضنک» در لغت به معنای «تنگی» است. و خداوند متعال به حق، زندگی چنین افرادی را سراسر تنگی معرفی نموده است، لذا امروزه شاهد آن هستیم که مسلمانان در عین برخورداری از انواع ثروت های طبیعی، مواد معدنی، نیروی کار و اندیشه های پویا، در زندگی، چنان گرفتارند که به خاطر نبود یا کمی درآمد از گرسنگی و سوء تغذیه رنج می‌برند. بر اثر بحران مسکن با سرما و گرما مواجه شده اند و به علت عدم امنیت و سلطهٔ دشمنان و معاندان ترس و تلخی آوارگی را می‌چشند. و این پیامد پای بند نبودن مسلمانان به اسلام و یا صرفا عمل کردن به برخی از احکام شریعت و فرو گذاشتن برخی دیگر است.

علاج سودمند

باری، تنها راه، بازگشت به اسلام و عمل به قوانین آن است، و عمل به همهٔ احکام، و قوانینی که خداوند متعال در کتاب کریم خود، برای ما نازل کرده است و هرگاه به طور کامل به فرامین الاهی باز گردیم، مانند زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شاهد پیشرفت و شکوفایی اسلام خواهیم بود، ممکن است این پرسش پیش آید که: اکنون که در سایهٔ تحول شیوه های علمی، و پیشرفت های صنعتی و همراه با آن سلطهٔ دشمنان و چیرگی گردن کشان بر مسلمانان، دنیا و مردم آن به گونه ای بی سابقه دگرگون شده اند، آیا با وجود چنین شرایطی باز هم می‌توان، به اسلام بازگشت و شکوه و عظمت آن را احیا نمود؟
باید گفت: چنین امری ممکن است، و تاریخ معاصر امکان تحقق آن را به اثبات رسانده است و نمونه بارز آن مهماتا گاندی است، کسی که توانست پانصد میلیون انسان هندی عقب نگه داشته شده را، به قیام وادارد و برای آنان و کشورشان سروری و حاکمیت و استقلال رابه ارمغان آورد، و این در حالی بود که استعمار همه چیز داشت و او با دست خالی توانست در مقابل آنان ایستاده، آرمان های خود را تحقق بخشد.
از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم به ما توفیق عمل عنایت فرماید تا سرافرازی، ارجمندی، سروری و خوشبختی از دست رفته مسلمانان به آنان باز گردد.
والله تعالی هو المستعان
قم المقدس
محمد شیرازی
جمادی الثانیه / ۱۴۲۰ ه. ق

پاره ای از راه کارهای اسلامی

اسلام، به مسلمانان دستور داده وحدت و هوشیاری خود را در برابر دسیسه های دشمنان حفظ نمایند و همهٔ فعالیت های آنان را زیر نظر داشته و تمامی نقشه‌ها و توطئه های آنان را خنثی کننـد، و در این امور بهترین شیوه‌ها و مسالمت آمیزترین راهها را برگزیننـد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که خود اولین مجری دستورات اسلام بود، بدون اینکه با دشمنان از در جنگ در آید و با آنها به جنگ برخیزد برنامه های اسلامی را به بهترین وجه ممکن اجرا نمود. او مسلمانان را برای زیر نظر گرفتن حرکات دشمنان و جلوگیری از یورش آنان و خنثی کردن توطئه هایشان آماده می‌کرد، یعنی موضع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر دسیسه‌ها و یورش های دشمنان، موضع دفاع و دفع تجاوز بود. آن هم دفاعی قاطع و جوانمردانه. قاطع، از این جهت که با قدرت و قاطعیت عمل می‌کرد. و جوانمردانه به این معنا که اقدامش بر حسب دستورات اسلام در چارچوب اخلاق و انسانیت انجام می‌گرفت.

اتحاد و هوشیاری

آری، موضع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر دشمنان، با توجه به یگانگی و هوشیاری مسلمانان، موضع دفاع و دفع تجاوز بود، چه این که کافران، با مجهز کردن سپاهیان خود، مسلمانان را در مدینه مورد هجوم قرار می‌دادند. همان گونه که در دو جنگ بدر و احد، اتفاق افتاد، چون دشمنان در خارج از مدینه آمادهٔ یورش به مسلمانان بودند و مسلمانان نیز از نیت آنان آگاه شدند و به همین خاطر در سرزمین خود آماده رویارویی با دشمنان شدنـد. آن گونه که در دو جنگ حنین و خیبر، رخ داد. در هر حال این کافران بودنـد که علیه مسلمانان توطئه می‌کردنـد و آنان را مورد هجوم قرار می‌دادند. زمانی که کافران مدینه را محاصره کردند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مقابله خود محاصرهٔ آنان را شکست، به گونه ای که خود حضرت با حمله به کاروان بازرگانان مکه، به نوعی مکه را، تحت محاصره قرار داد، و یا زمانی که کافران در منطقهٔ حنین، گرد آمدند و آمادهٔ نبرد با مسلمانان شدند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پی به نیت سوء آنان برد آنها را در سرزمین خودشان مورد حمله قرار داد و با آنان جنگید تا سرانجام آنان را از آن جا بیرون راند، البته این درگیری پس از آنکه پند و اندرزها و تهدیدهای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آنان مؤثر واقع نشـد، به وقوع پیوست. البته بقیه جنگ های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز، به همین ترتیب جنبهٔ دفاعی داشت و در تمامی جنگ ها، هرگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مسلمانان را برای جنگ با کافران فرا می‌خوانـد مسلمانان آماده دفاع از اسلام می‌شدنـد و بـا مقاومت شگفت انگیز ضربات دشمنان را تحمل می‌کردنـد، و آنان را از مواضع خویش دور می‌کردند و بدینوسیله آنان را از آسیب رساندن به مسلمانان باز می‌داشتند. و این حوادثی است که در تاریخ زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اتفاق افتاده و تا آن جایی که کلام الاهی «ورد الله الـذین کفروا بغیظهم، لم ینالوا خیرا» در مورد آنان تحقق یافت.

بی شک همهٔ این پیروزی ها، پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها در سایه پیروی مسلمانان از قوانین حکیمانهٔ اسلام بود که آنان را، به یگانگی و بیداری و فرمان برداری از پیامبر گرامی شان امر نموده بود. پیامبری که احکام اسلام را مو به مو، تطبیق می‌نمود و آن را به طور دقیق و کامل اجرا می‌کرد.

پیامدهای ترک اتحاد و هوشیاری

در صدر اسلام پیوسته پیروزی از آن مسلمانان بود، زیرا آنان اسلام را دین یکتاپرستی و کامل می‌دانستند و برنامه های آن را در

تمام جنبه های زنـدگی اجرا می‌کردند و تا حدود یک قرن پیش به این برنامه پای بند بودند. اما زمانی که فقط برخی از برنامه های اسـلام را گرفته و به اسـلام به عنوان یک مجموعهٔ کامل زندگی ننگریسـتند و یگانگی و هوشیاری خویش را حفظ نکردند، گرفتار انواع و اقسام نابسامانی‌ها شدنـد، تا جایی که کافران آنان را مورد حمله قرار داده و زمام امورشان را به دست گرفتنـد و مسـلمانان و سرزمین آنها را به زیر سـلطه خود درآوردند، و به عنوان نمونه پیامد این مسـئله فروپاشـی مسلمانان اندلس در تاریخ ثبت شده است زمـانی که آنان از عمل کامل اسـلام غفلت ورزیدنـد و کافران نیز از غفلت مسـلمانان اسـتفاده کرده و آنها را مورد هجوم خود قرار دادنـد و در سـرزمین مادریشان با آنها جنگیدنـد و چنگال های خود را در پیکر آنان فرو بردند و ایشان را مورد بدترین انواع آزار و شکنجه قرار دادند.

هم چنـان که نیاکـان مـا، این وضع مسـلمانان و غفلت آنـان از اسـلام را در زمـان عثمانیـان نیز مشاهـده کردنـد، زمانی که اسـتعمار انگلیس متوجه غفلت مسـلمانان در خاورمیانه شد آنان را مورد هجوم خود قرار داد و اختیاردار و مالک سرزمین های ایشان شدند و نظیر این موضوع مسئله استعمار شرق یعنی، اتحاد جماهیر شوروی سابق است که مسلمانان را در خاور دور زیر سلطهٔ خود درآورد و به سرزمین های آنها چنگ انداخت و اختیاردار دین و دنیای آنان شد، با وجود این که تعداد مسلمانان فقط در ترکمنستان به هشتاد میلیـون نفر می‌رسـید و هنگـامی که شورِوی و پس از آن چین، آنـان را مورد هجوم قرار دادنـد رفته رفته مسـلمانان آن سامـان را از مراکز خویش کوچاندند و یا به قتل و تبعید آنان پرداختند، و در سراسـر جهان آنها را پراکنده و آواره و بی خانمان کردند. تا جایی که تعداد اندکی از مسلمانان در آن دیار باقی ماندند با این عمل تعداد مسلمانان ترکمنستان به ده میلیون نفر رسید.

در عصـر حاضـر نیز، اوضـاع نابسامـان مسـلمانان بر هیـچ کسـی پوشـیده نیست. زمانی که مسـلمانان از اسـلام به عنوان برنامهٔ کامل زندگی غافل شدند، و فقط به نام اسـلام بسـنده کردند و نتیجه عمل به برخی از احکام اسلام، کافران آنان را غافل گیر و با شدت و قساوت تام مورد هجوم خود قرار داده و سـرکوب کردند و مانند پیکر بی جان، گرسنه و برهنه و قطعه و قطعه شده، این جا و آن جا پراکنده شدند، که نمونه های بارز آن در لیبی، فلسطین، عراق، ایران و غیره مشاهده می‌شود.

ایستادگی و پایداری

اسـلام مسلمانان را به استواری عقیده و ایستادگی در راه تبلیغ و گسترش این آیین دستور داده است، خداوند به این مسئله در آیات: «فاسـتقیموا الیه» و «الـذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لایـخشون احـدا الا الله و کفی بـالله حسـیبا» و «ان الـذین قـالوا ربنـا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم ولاهم یحزنون». تصریح کرده است.

از این رو مسـلمانان در راه عقیدهٔ خویش انواع آزار و سختی‌ها را بر خود هموار می‌کردند و بر آن پایداری می‌ورزیدند و تا سر حد مرگ در راه عقیـده مبارزه می‌کردنـد. چه آن جایی که مشـرکان می‌خواسـتند مانع از عقیـده و دینشان گردند مانند ماجرای عمار و پـدر و مادرش، یاسـر و سـمیه و بلال، خباب، ذی البجادین و دیگران که در تاریـخ مذکور است، یا آنان که مسـلمانان منحرف، در صـدد بازداشـتن ایشان از ایمان و دوستی شان نسبت به اهل بیت پیامبر (صـلی الله علیه و آله و سـلم) بودنـد چنان که در ایسـتادگی مالک بن نویره، عبدالله بن مسعود، عمار بن یاسر، ابوذر و تبعیدهای پی در پی او به شام و سپس ربذه و مرگ وی و همسر و پسرش از گرسـنگی در آن جا را، در تاریخ اسلام، شاهد هستیم. تحمل همهٔ مشکلات، بیانگر ایمان قوی آنان، و ثابت قدمی شان بر ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) و تمسک به مذهب حق، یعنی مذهب اهل بیت پیامبر حکایت دارد.

سستی مسلمانان

مسـلمانان از حدود یک قرن پیش تا کنون به دنیا پرداخته اند و از آخرت غفلت کردند به طوری که دیگر حاضر نیستند در راه دین

و عقیده و ایمان خود هیچ آسیبی را تحمل کنند. نه در برابر دشمنانی که کشورهای آنان را مورد تاخت و تاز قرار می‌دهند و نه در مقابل مسلمانان منحرفی که سرنوشت اینها را بدست گرفته و بر مقررات آنان حاکم گشته اند.

البته، درست است که بعضی از مسلمانان، برخی از سختی را بر خودشان هموار کرده و می کنند این موارد را باید از استثنائات شمرد، پس وقتی از عدم تحمل مسلمانان در برابر دشواری‌ها سخن به میان می‌آید مقصود همگان نیستند، بلکه سخن در این است که امروزه سستی در میان مسلمانان به صورت یک اصل درآمده است در حالی که درصدر اسلام برعکس این بوده است.

آری، امروزه بیشتر مسلمانان بی آن که به وضع خویش بپردازند و سعی در اصلاح امور خویش نمایند در یاری دین و عقیدهٔ خود سهل انگاری کرده و دفاع از ایمان و ولایت خویش را ترک کرده اند. و این علی رغم همهٔ خطراتی است که آنها را احاطه کرده و دین و دنیایشان را مورد تهدید قرار می‌دهد. و این در حالی است که خدای سبحان می‌فرماید: «ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عده» و چون آنان خود را برای رهایی از بلایی که ایشان را در برگرفته آماده ننمودند، خدای متعال نیز آنان را بابت این امر، کیفر خواهد داد و مصداق این آیه شریفه شدند که می‌فرماید: «ولکن کره الله انبعاثهم فثبطهم و قیل اقعدوا مع القاعدین».

نماز و زکات

اسلام به مسلمانان دستور داده است نماز را که ارتباط روحی با خداوند است، بپا دارند، و پرداخت زکات را که یک نوع ارتباط مادی با مردم است، بر ایشان واجب گردانیده. و با این دو ارتباط است که، زندگی فرد و جامعه نظم و سامان می‌یابد. در آیه شریفه آمده است: «الذین مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتو الزکاه»، و نیز میفرماید: «ان الصلاه کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا» و «والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم».

در آغاز اسلام، مسلمانان به اوامر اسلام گردن نهاده، در بپا کردن نماز حتی در سخت ترین شرایط از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی کردند هم چنان که یکی از نمونه های آن در جریان نماز خوف، در تاریخ ثبت شده است، و در عین نیازمندی و تنگدستی، خمس و زکات می‌پرداختند و در شرایط بسیار دشوار مادی، برای تقرب به خداوند انفاق می کردند و صدقه می‌دادند. همیاری و همدردی مسلمانان با یکدیگر، به ویژه انصار و مهاجرین، نمونه هایی است که در این زمینه می‌توان به آنها اشاره کرد. به عنوان مثال انصار در مدینه، از مهاجرانی که از مکه و دیگر مناطق به مدینه آمده بودند استقبال کردند و نه تنها ایشان را مسکن داده و با آنان همدردی می‌نمودند بلکه، آنان را بر خود مقدم می‌داشتند تا آن جایی که یک مسلمان انصاری دارای دو همسر بود یکی را طلاق می‌داد و چون عدهٔ، او تمام می‌شد، وی را به ازدواج مسلمانی از مهاجرین در می‌آورد، و بدینسان مسلمانان صدر اسلام با دادن زکات و پرداخت صدقات به هم یکدیگر را کمک می کردند. و در کنار آن بر بندگی و عبادت، و نماز و روزه نیز خو گرفته بودند.

پیشی گرفتن دیگران بر مسلمانان

آری، مسلمانان در صدر اسلام به گونه ای بودند که امروزه بشتر مسلمانان عکس آن را عمل می کنند، در عبادات، حتی در نمازهای پنجگانهٔ روزانه سستی می‌ورزند، و از نظر مادی، به همیاری هیچ یک از برادران ایمانی خویش نمی‌شتابند. فقط اندکی خمس و زکات پرداخته و صدقاتشان بسیار ناچیز است، در حالی که برعکس این اعمار در میان غیر مسلمانان مشهود است. از نظر عبادت، هرچند به ظاهر، در بین آنها مردانی راهب و زنانی راهبه وجود دارند. و اموال فراوانی را می‌بخشند. دارای مؤسسات خیریه فراوانی هستند.

این جناب اخیرا در مجلهٔ المشاهد می‌خواندم: که تنها یک آمریکایی در حدود مبلغ صد میلیارد دلار را در اختیار بعضی از

مؤسسات خیریه قرار داده است.
و بدینسان غیر مسلمانان از مسلمانان سبقت گرفته و در همهٔ زمینه های زندگی بر آنان پیشی گرفته اند. لذا، آنان ثروتمند شده و سروری یافته اند و ما بی چیز و زیر دست قرار گرفته ایم.
آری، مسلمانان به دستورات اسلام نسبت به ادای نماز و پرداخت زکات بی توجه شدند و رغبتی از خود نشان نمی‌دهند. لذا، جایگاه نماز که خداوند آن را در وقت های معین بر مؤمنان مقرر داشته است ضایع شده و زکاتی که خداوند آن را برای ایشان تعیین نموده مهجور مانده است، و حال آن که خدای سبحان آن را بر ایشان واجب کرده است و در این خصوص می‌فرماید: «انما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملین علیها و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغارمین و فی سبیل الله و ابن السبیل فریضه من الله و الله علیم حکیم». اگر مسلمانان نماز را آن طوری که شایستهٔ نماز است اقامه می کردند، معنویت مسلمانان بیشتر از آنچه که امروز دارا هستند، می‌بود و همان طور اگر زکات را، مانند مسلمانان صدر اسلام می‌پرداختند امروز در جامعهٔ اسلامی فقیری باقی نمی‌ماند و به طور یقین عمل خیر و مشروعی به سستی نمی گرایید.

حج و جهاد

یکی از دستورات اسلام به مسلمانان انجام فریضه حج است که عبارت از خودسازی فردی و دور کردن شیطان های جن از اوست، و دیگر این که مسلمانان باید با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنند و از این طریق جامعه را تزکیه و از لوث وجود شیطان های انسان نما پاک نمایند، و این دو امر ضامن سعادت فرد و جامعه است.
در آیه شریفه آمده است: «ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا» و «وجاهدوا فی الله حق جهاده» و «وجاهدوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون» و باز در جای دیگر از کتاب می‌فرماید: «وجاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون».
مسلمانان نیز از فرامین اسلام فرمانبرداری کرده و آموزه های آسمانی آن را به ویژه در مورد حج و زیارت خانهٔ خدا، و جهاد در راه خدا و همراه با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با دقت و قدرت تمام دنبال می کردند. حال آن که امروزه شاهدیم که همهٔ این آموزه‌ها در میان مسلمانان بسیار کم رنگ و ضعیف شده است تا جایی که گویی از دین روی گردان شده اند.

مسلمانان اولین و حج

بنا به شهادت تاریخ در روزگاران گذشته تعداد و رویکرد مردم به حج و زیارت بیت الله الحرام بیش از امروزه بوده است. به طوری که در زمان امام زین العابدین (علیه السلام)، که خود آن حضرت هر ساله حج بجا می‌آورد، تعداد حاجیان به چهار و نیم میلیون نفر می‌رسید.
در کتاب وسائل، و دیگر کتاب‌ها آمده است که: بارها از ائمه طاهرین (علیهم السلام) می‌پرسیدند که عرفات و مشعر و منا، گنجایش وقوف حاجیان را ندارد وظیفه مردم چیست؟ و آنان می‌فرمودند: در همان جایی که ممکن است وقوف نمایند.
آری، روزگاران پیشین مسلمانان به حج اهتمام فراوانی می‌دادند و از راه های دور و نزدیک قصد زیارت خانهٔ خدا، کار و کاشانه را رها می کردند و به سوی معبود می‌شتافتند، با آن که مسافرت در آن زمان بسیار دشوار و طاقت فرسا بود و با توجه به وسایل مسافرتی آن زمان (چهارپایان) چه سختی‌ها را بر خود هموار می کردند تا خود را به معبود برسانند. و آیه شریفه چه زیبا بیان کرده است: «و تحمل اثقالکم الی بلد لم تکونوا بالغیه الا بشق الانفس ان ربکم لرؤف رحیم».

مسلمانان اولین و جهاد

مسلمانان صدر اسلام هم چنان با مال و جان خویش در راه خدا جهاد می کردند گویی دلباخته این کار بودند، و اصرار داشتند که این واجب را در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) انجام دهند. شیفتهٔ شهادت در راه خدا بودند، و هیچ عذر و بهانه ای، آنان را از آن باز نمی‌داشت، و در این میان افرادی همچون عمرو بن جموح و حنظلهٔ غسیل الملائکه، همراه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به جهاد پرداختند تا سرانجام در راه خدا به شهادت رسیدند، حال آن که عمرو بن جموع، لنگ بود، و به تصریح قرآن کریم جهاد به این گونه افراد واجب نیست. خانواده اش او را از رفتن به میدان باز می‌داشتند. اما او خود را از آنان رهانیده نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده گفت: یا رسول الله، خویشان من می‌خواهند به جهت نقصی که من دارم مرا از رفتن به میدان باز دارند، اما به خدا قسم من امیدوارم با همین پای لنگ به بهشت وارد شوم. آن گاه در رکاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مبارزه پرداخت تا به شهادت رسید، و حنظلهٔ غسیل الملائکه، فردای شب زفافش به شهادت رسید، با این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او اجازه داده بود در مدینه بماند، اما او در همان بامداد شب زفاف در حالی که هنوز غسل نکرده بود شتابان به سوی میدان آمد و در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تا سرحد شهادت به مبارزه پرداخت. آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فرشتگان را دیدم که حنظله را میان آسمان و زمین با آب باران بر گستره ای زرین غسل می‌دهند.

امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از سفارشات اسلام به مسلمانان نیکی با یکدیگر و پرهیزگاری، و همدیگر را به حق و شکیبایی سفارش کردن است، چیزی که عامل مصونیت جامعه است، هم چنان که به مسلمانان گوشزد می‌نماید که به نیکی‌ها رو آورند و از زشتی‌ها دوری گزینند. که این نیز باعث ولایت و سرپرستی جامعه است، و به سبب این دو اصل: مصونیت و سرپرستی جامعه است که جامعه بشری دچار انحراف نمی‌شود، و از سلطهٔ گردنکشان و خودکامه گان در امان می‌ماند. خداوند متعال در این آیات: «وتعاونوا علی البر و التقوی» «والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون». به همین مسایل اشاره فرموده است.

البته، شایان ذکر است هرچند ظاهر آیه «ولتکن منکم امه » ... به گروه ویژه ای از مؤمنان اختصاص دارد، اما برخی فقها فرموده اند که، معنا و مفهوم آیه شامل همگان می‌شود، لذا بر همگان است که به کارهای شایسته و دوری از زشتی‌ها امر کنند، زیرا خداوند در آخر این آیه کریمه می‌فرماید ...: « و اولئک هم المفلحون». یعنی، کسی که امر به معروف و نهی از منکر نکند، رستگار نخواهد بود، پس کلمهٔ (من) در آیه شریفه «ولتکن منکم » ... بنا به قول ادیبان و ادبیات و به قرینهٔ «و اولئک هم المفلحون» به معنای (بعض) نیست.

گذشته و حال مسلمانان

به گواهی تاریخ مسلمانان در روزگاران گذشته و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری خوبی داشتند، همدیگر را به حق و صبر سفارش می‌نمودند و به نیکی و مهربانی فرا می‌خواندند و امر به معروف و نهی از منکر می کردند. اما امروزه همهٔ این صفات نیک در میان مسلمانا کم رنگ شده است. از این رو انحرافات گسترش یافته و سرکشان و خودکامه گان بر مردم چیره شدند. سرزمین های اسلامی آکنده از منکرات علنی شده است. و محرماتی همچون شراب، قمار، ربا، مالیات، عوارض گمرکی و دیگر محرماتی که برخلاف آموزه های اسلام است، جوامع اسلامی را فرا گرفته است. اما مسلمانان با کمال بی توجهی از کنار آن می گذرند بدون این که امر به معروف و نهی از منکر نمایند، این وضع موجود مسلمانان است.

و در خصوص فراخواندن به نیکی‌ها و سفارش یکدیگر به حق و صبر باید گفت: این دستور الاهی به بوته فراموشی سپرده شده است تا جایی که عوض دعوت به اتحاد و همکاری و دیگر نیکی ها، فراخوان دشمنی و تفرقه شده اند. و به جای سفارش به حق و بردباری، یکدیگر را به پیروی از باطل و هوا و هوس‌ها توصیه می کنند.
بی تردید مسلمانانی هستند که همه این امور را رعایت می کنند و تمام دستورات اسلام را اجرا می‌نمایند، اما سخن از مسلمانان صدر اسال ماست که یکپارچه همهٔ این امور را به طور کامل انجام می‌دادند. حال آن که امروز تنها بعضی از مسلمانان، آنهم به طور ناقص و گزینشی، به این امور اهمیت می‌دهند، و این امر بدیهی است که شکل ناقص، نتیجهٔ مطلوب و کامل نمی‌دهد، لذا انحراف گسترش یافته، فساد فراوان گشته و استبداد غوغا می کند. در مجله ای می‌خواندم: در پایتخت یکی از کشورهای اسلامی چهارده هزار مشروب فروشی و نیز تعداد زیادی مراکز فحشاء وجود دارد. و مجلهٔ دیگری نوشته بود: درآمد بیشتر مردم یکی از کشورهای اسلامی که کشوری بزرگ و ثروتمند و پر جمعیت، دارای معادن فراوان، روزانه به یک دلار هم نمی‌رسد و نیز در مجلهٔ دیگری آمده بود: مردم بیشتر کشورهای اسلامی، گرفتار حکومت های بی رحم و خشن پلیس هستند و با سرکوب پلیس، مردم در فضایی زندگی می کنند که خفقان سراسر آن را فرا گرفته است. از این قبیل گرفتاری ها، آنان را مستاصل نموده است.

ثروت در اسلام

اسلام دستورات ویژه اقتصادی دارد که به مسلمانان سفارش شده که از این روش پیروی نمایند. نظامی که در تعادل و انسجام، هیچ نظام اقتصادی دیگری به استواری آن نمی‌رسد، زیرا همهٔ نظام های اقتصادی دیگر از افراط یا تفریط، و قصور یا تقصیر خالی نیستند. حال آن که در سایهٔ نظام اقتصادی کامل اسلام، فرد و جامعه، و زمامدار و مردم سعادتمند خواهند بود.
این نظام از سویی، امور منفی همچون: ربا، غش در داد و ستد، رشوه، اسراف و تبذیر، خوردن به ناحق اموال مردم، مصادرهٔ اموال، مالیات های کلان بر ساخت و سازها، به داد و ستدهای ملکی، مالیات بر صادرات و واردات، و بر حرفه‌ها و پیشه های شغلی و... که به نوعی با مسائل اقتصادی در ارتباطند را ممنوع و حرام کرده است. و از سوی دیگر امور مثبتی همچون: باز گرداندن امانت ها، پای بندی به پیمان های معاملاتی، تقسیم ارث بین وارثان، خمس، زکات، جزیه، خراج و پاره ای از پرداخت های مالی دیگر را بر مردم واجب می گرداند. و یکی دیگر از سفارش های اسلام ادای حقوق مرمد است. باید اموال و دارایی های مردم حفظ شود و بخشش اموال در راه منافع عمومی، امور خیریه، قرض الحسنه، و دیگر اموری را که موجب پیوند و انسجام جامعه و استحکام روابط اقشار مختلف جامعه اسلامی و همچنین استواری پایه های آن می گردد، موجب تشویق قرار می‌دهد. مسلمانان عصرهای گذشته به این امور اهمیت ویژه ای می‌دادند و در اجرای اوامر و نواهی نظام اقتصادی دقت کافی به کار می‌بستند، لذا ربا و رشوه، تقلب و اسراف در میان آنها کمتر بود. اموال یکدیگر را به ناحق نمی‌خوردند. و در مقابل، امانتدار و به پیمان هایشان پای بند بودند. ارث را به وارثان حقیقی ادا می کردند و به دادن خمس و زکات و برخی انفاق های واجب و مستحب پای بند بودند. سنت قرض الحسنه در میان مسلمانان یک امر رایجی بود. و در یک کلام تمام احکام مالی (اقتصادی) اسلام را رعایت می کردند و به آن پای بند بودند، لذا هم خود سعادتمند شدند و هم موجب رستگاری مردم و آبادی سرزمین‌ها گشتند.
اما با کمال تاسف امروزه مسلمانان از نظام اقتصادی اسلام فاصله گرفته اند، و از آن روی گردان شده اند، به گونه ای که همهٔ محرمات مالی در بین آنها گسترش یافته بیشتر واجبات و مستحبات مربوط به نظام مالی اسلام، متروک مانده است. به طوری که نظام ربا، بی چون و چرا بر نظام بانکی کشورهای اسلامی حاکم شده است. هم چنان که نظام تقسیم ارث نیز در بین آنان مخدوش گردیده است، به گونه ای که بسیاری از آنها به احکام ارث عمل نمی کنند، یا بهرهٔ زن را، به اندازهٔ بهرهٔ مرد قرار می‌دهند. و این برخلاف فرمایش خداوند در قرآن است که می‌فرمایند: «للذکر مثل حظ الانثیین».

اسلام و برابری مردان و زنان

این مسئله بر کسی پوشیده نیست که اختلاف در ارث مرد و زن صرفا جنبهٔ اقتصادی دارد و در نهایت هم به نفع خانواده و جامعه اسلامی است، و اقتصاد دانان نیز این مسئله را موجب تعدیل ثروت قلمداد می‌کنند. و الا از نگاه انسانی، خداوند متعال تساوی مرد و زن را در این آیه شریفه مورد تاکید قرار داده است. «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم». و در بعضی آیات قرآنی نام هر یک از مرد و زن مسلمان را در کنار دیگر ذکر نموده است مانند:

«ان المسلمین و المسلمات، و المؤمنین و المؤمنات، و القانتین و القانتات، و الصادقین و الصادقات، و الصابرین و الصابرات، و الخاشعین و الخاشعات، و المتصدقین و المتصدقات، والصائمین و الصائمات، والحافظین فروجهم و الحافظات، و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات، اعدالله لهم معفره و اجرا عظیما».

اسلام برترین نظام اقتصادی

به هر حال، نظام مالی اسلام برترین نظام اقتصادی است که جهان بشریت از آغاز حیات تا انقراض خویش آن را شناخته یا خواهد شناخت، زیرا با دستورها و قانون های عادلانهٔ خود، می‌تواند همهٔ مردم را بی نیاز گرداند، و رفاه و آسایش زندگی آنان فراهم کند، لیکن به شرط آن که به طور کامل مقررات آن اجرا شود، اما چنانچه بخشی از آن را گرفته و قسمی دیگر ترک شود، نتیجه ای جز فساد و ناخشنودی خدای متعال و زشت نشان دادن چهرهٔ اسلام چیزی در پی نخواهد داشت. که این خود گناه نابخشودنی است. به عنوان مثال اسلام گرفتن اموال مردم را هر چند کم، و زیر هر عنوان، به طور مطلق حرام می‌شمارد، لذا اموری مانند ربا، رشوه، گمرک، مالیات، مصادرهٔ اموال، تعرفه های ساختمان، بازرگانی، شغل، صنعتگری، شرکت و مانند آن در نظام اقتصادی اسلام وجود ندارد. و مالیات های اسلامی در خمس، زکات، جزیه و خراج محدود می‌شود.

شخصی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیده دربارهٔ زکات و اموالی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد پرسید و عرض کرد: در شهرهای ما برنج هست. آیا بر من واجب است زکات برنج را بپردازم؟ حضرت او را از این کار نهی کرد و فرمود: من به تو می‌گویم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زکات را بر نه چیز واجب فرمود و تو می‌گویی در شهرهای ما برنج هست، پس بنا به فرمایش حضرت زکات به برنج تعلق نمی‌گیرد، و هم چنان که از فقهای بزرگ ما نقل شده، و این جانب نیز ار مرحوم پدرم شنیدم، به کسانی که می‌خواستند بیش از حقوق شرعی که بر گردنشان بود بپردازند، اظهار می‌داشتند من نمی‌خواهم حتی یک ریال از حقوق شرعی نزد شما باقی بماند و همین طور مایل نیستم حتی یک ریال اضافه بر آن دریافت نمایم.

و در حدیث آمده است: «خداوند برای بندگان فقیر خود، حق مشخصی را در اموال ثروتمندان قرار داده است.» لذا، فقیه یا غیر فقیه حق ندارد چیزی از اموال فقیران را در اموال ثروتمندان قرار دهد و بر عکس. مگر آنچه که خداوند واجب فرموده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان نموده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «انما امرت ان آخذ من اغنیائکم و اضع فی فقرائکم». «من امر شده ام مال را از ثروتمندان بستانم و در راه فقیران شما مصرف کنم.

آری، این شیوهٔ مسلمانان در گذشته بود. اما در این روزگار همان گونه که بر همگان روشن است وضع کاملا متفاوت شده است.

اوامر و نواهی اسلام

اسلام مسلمانان را به عفت و پاکدامنی سفارش می‌کند. چیزی که موجب پاکی و خوشبختی خانواده و نیز استحکام پیوندها و

روابط و همچنین استواری بنیان و کیان آن می گردد، و در مقابل، از بی بند و باری و افسار گسیختگی و فساد و هرزگی باز می‌دارد تـا از این طریق، پـاکی و قـداست جـامعه بشـری حفـظ شـده و پیونـد و روابـط آن اسـتوار گردد و عفت و امنیت آن تامین گردد، و براساس این دو محور است که امنیت خانواده حفظ و جامعه سالم می‌ماند.

در گذشـته مسـلمانان، به اوامر اسـلام گردن نهـاده، خود را به زینت عفت و پاکـدامنی و صـلاح آراسـته و از نواهی اسـلام اجتنـاب می کردنـد. از زنا و لواط دوری می گزیدنـد و مصـداق این آیه شـریفه بودنـد که می‌فرمایـد: «والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین».

در حالی که امروزه در بیشتر شـهرها و کشورهای اسلامی روسپی خانه های عمومی، و مراکز فساد و فحشاء آشکارا فعالیت می کنند تا جایی که بعضی گزارش های رسمی حاکی از آن است که حکومت یکی از کشورها در همهٔ استان‌ها روسپی خانه هایی را به راه انداخته است. هم چنان که لواط، نزد برخی دولت های حاکم بر کشورهای اسلامی امری عادی تلقی می‌شود. تا جایی که حکومت یکی از کشورهـای اسـلامی، انحراف جنسـی را همچون ازدواج دانسـته و بـا بی شـرمی تمـام، هتلی را برای ازدواج رسـمی مردان با یکـدیگر اختصـاص داده است. و از طریق این تسـهیلات شـیطانی فریبنـده، انحراف جنسـی را ترویـج، و ازدواج مرد بـا مرد را مورد تشویـق قرار می‌دهنـد. و مردم را نسـبت بـه ازدواجی کـه خـدای سـبحان آنرا دژی برای مرد و زن قرار داده تـا جسـمشان سـلامت، فکرشان آسوده و نسل شان سالم بماند، بی رغبت می کند. از این گذشته، این حکومت و دیگر حکومت های کشورهای اسلامی به همهٔ اینها بسنده نکرده، بلکه از طریق قوانین خود که هیچ اصل و ریشهٔ الاهی ندارد در مقابل سنت ازدواج می‌ایستند و مانع ازدواج شرعی می‌شوند تا جائی که پسر و دختر جوان مسلمان دیگر قادر به ازدواج نیستند. در گزارشی می‌خواندم: که تنها، در یک کشور اسـلامی ده میلیون پسـر و دختر جوان که به سن ازدواج رسـیده انـد، امکـان ازدواج برایشان فراهم نیست. هم چنان که در گزارشـی مربوط به کشور دیگر آمده است: که در آن بیش از پانزده میلیون پسر و دختر جوان هستند که امکان ازدواج ندارند.

چرا سهل انگاری در ازدواج

اگر امروز می‌بینیـم ازدواج این گـونه مـورد سـهل انگـاری و بی تـوجهی قرار می گیرد، از این بـابت است که دولت هـای حـاکم بر کشورهای اسـلامی به طور غیر مسـتقیم مانع از این امر شده اند، آنها آشکارا از ازدواج جلوگیری نمی کنند تا مردم تکفیرشان کرده علیه شان اعلام جنگ نمایند، بلکه در نهان و با نیرنگ اقداماتی انجام می‌دهند که در نتیجه سد راه امر ازدواج می گردد.

عامل نخست

حکومت‌ها مردم را از حق خود در این که مالک قطعه زمینی شونـد محروم می کنند، و به آنان اجازه نمی‌دهند جز با خریدن، مالک زمینی شوند. حال آن که پیامبر اسـلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «الارض لله و لمن عمرها» «زمین از آن خداست و هرکس که آن را آباد کند»، و به علت همین مشکلات زمین است که یک جوان نمی‌تواند برای خود خانهٔ ساده ای بنا کند.

عامل دوم

این حکومت‌هـا مانع از بهره برداری از مباحاتی شدهانـد که خداونـد آنها را برای همـهٔ مردم قرار داده است. مباحاتی همچون: هوا، آب، اقیانوس ها، دریاها و منابع آن ماننـد مروارید، مرجان، ماهی و ... جنگل‌ها و مراتع، بیشه‌ها و معادنی مانند آهک، نمک و،... در گزارشی رسمی در این زمینه آمده بود که: در یکی از کشورها هشتصد نوع معدن از جمله طلا و نفت و اورانیوم وجود دارد، اما بـا کمـال تـاسف حکومت آن کشور بـا این که ادعـای اسـلامی بودن هم دارد بر روی همـهٔ آنهـا دست گذاشـته، و مردم را از بهره

برداری آنها محروم ساخته است اگر کسی به خود جرات دهند تا مقداری از آن معادن را استخراج نماید مورد تعقیب و پی گرد واقع می‌شود و احیانا زندانی و مورد شکنجه قرار می‌گیرد، و یا حداقل از او غرامت گرفته وی را تعزیر می‌کنند.

عامل سوم

هم چنان که این حکومت ها، برخلاف اسلام، مانع مردم از کسب مباح هستند، و زورگویانه، ادعا می‌کنند کسب و کار نیاز به پروانه کسب و مالیات و مانند آن دارد. اقداماتی که مانع کسب و کار مردم می‌شود. به هر حال این سه معضل که دست حکومت‌ها پشت آن است موجب کاهش میزان ازدواج در بین جوانان مسلمانان و تقریبا متروک ماندن آن گردیده است.

اسلام و ازدواج

اسلام با قوانین عادلانه و نگرش دقیقی که بر جوامع بشری دارد، مسئله ازدواج را بسیار مورد تشویق قرار داده است، زمینه های کمک به انجام آن را فراهم آورده، و تمام راه هایی را که به ازدواج می‌انجامد گشوده و هموار کرده است، و در مقابل همهٔ عوامل باز دارنده را از سر راه ازدواج برداشته است، و بستر کسب و کار، و درآمد و مسکن را برای جوان فراهم می‌کند و از سوی دیگر تجرد و روی گرداندن از ازدواج را ناخوشایند می‌شمارد. خدای سبحان می‌فرماید: «وانحکوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله، و الله واسع علیم» و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «تناکحوا تناسلوا تکثروا، فانی اباهی بکم الامم یوم القیامه ولو بالسقط». در کتاب شریف کافی روایتی نقل است: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دختر عزیز خویش فاطمهٔ زهرا سلام الله علیها، آن سرور بانوان دو جهان، را با مهری که از سی درهم بیشتر نبود به ازدواج علی (علیه السلام) درآورد.

اسلام و موانع پیشرفت

دین اسلام سربلندی و کرامت، شرافت و سروری، و پیشرفت و شکوفایی را برای بشریت به ارمغان آورده است، و برای تحقق همه آنها، راهکارهایی را پیش روی مسلمانان نهاده است و عوامل مانع این تحول را بر آنان حرام کرده است، که مهمترین آن عوامل، مشروبات الکلی و مواد مخدر است که عقل را زایل و غیرت را می‌میراند و موجب از بین رفتن نشاط و فعالیت فرد می‌گردد، از این رو اسلام طبق نص صریح قرآن کریم و احادیث متواتر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طاهرینش شراب خواری را مطلقا حرام کرده و به شدت با آن به مقابله برخاسته است. و برای شراب خوار حد شرعی و کیفر سختی معین کرده است. در صدر اسلام، مسلمانان نیز، از شراب خواری دوری می‌جستند و با تمام توان با آن مبارزه می‌کردند و با شراب خواران قطع رابطه و از آنها روی می‌گردانیدند. به طوری که نه به آنان همسر داده و نه از ایشان همسر می‌گرفتند. حتی خلفای بنی امیه و بنی عباس که به شراب خواری می‌پرداختند این عمل را مخفیانه انجام می‌دادند و سعی می‌کردند ظاهر خود را آراسته جلوه دهند و بر کسانی که تظاهر به شراب خواری می‌کردند حد شرعی جاری می‌کردند.

مسلمانان امروز و می‌گساری

متاسفانه، امروزه شراب خواری و می‌گساری در کشورهای اسلامی، به پدیدهٔ رایجی تبدیل شده است تا جائی که نقل شده: زمانی نخست وزیر یک کشور اسلامی به یکی از روستاهای کشورش سفر کرد و چون در آن جا مغازه شراب فروشی نیافت، بخشدار آن ناحیه را توبیخ نمود و اولین کاری که پس از بازگشت به پایتخت انجام داد این بود که آن بخشدار را از مقام خود برکنار کرد و

نخستین کاری که بخشدار جدید انجام داد این بود که یک مغازهٔ شراب فروشی در آن روستا به راه انداخت.

داوری در اسلام

اسلام به مسئله قضاوت و دادگستری در جامعه اهمیت ویژه ای قایل است و لذا، امنیت، آسایش، آرامش و آسودگی کامل و حفظ آبروی مسلمانان را در سایهٔ احیای این بخش از دین می‌داند و حفظ حقوق فردی و اجتماعی آنان را مقرر می‌دارد، لذا برای تحقق همهٔ این موارد و تضمین تداوم آنها، برای قوهٔ قضائیه، استقلالی ویژه، و جایگاهی برجسته و احترامی فوق العاده قایل شده است. و کار قاضی را با دو زاویه دید، از جهتی دشوار و از جهتی آسان قرار داده است.

اسلام از جهت بی طرفی و عدم جانبداری یکی از طرفین دعوا، و نیز از جهت دقت، و تقوا در صدور حکم، و پرهیز از رشوه خواری یا گرفتن هدیه، بر قاضی سخت گرفته است تا جایی که در تهدید او می‌فرماید: (القاضی علی شرف جهنم) «قاضی بر لبهٔ پرتگاه جهنم قرار دارد»، اما از جهت سادگی کار و قرار ندادن و نداشتن حاجب و دربان بر او آسان گرفته است. هم چنین بر او لازم دانسته در قضاوت و پایان دادن به اختلاف طرفین شتاب نماید، بدون آن که از طرفین دستمزدی طلب کند یا از آنان مالیات و کارمزد و مانند آن دریافت نماید. چه این که اسلام چنین عملی را سخت بر او حرام کرده است، و مسلمانان نیز به این اصول و مقررات مربوط به امر قضا پای بند بودند. در نتیجه قضاوت در بین آنان طبق اوامر اسلام و نواهی قرآن و بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان اهل بیت علیهم السلام صورت می گرفت. از این رو امر قضاوت، در نهایت سادگی و بدون اتلاف وقت و مال، و همزمان در نهایت پاکی و عدالت، و بدون هیچ گونه انحراف و جانبداری و اجحاف و دست به دست کردن به سامان می‌رسید.

تاریخ نگاران آگاه غربی معترفند: یکی از عوامل پیشرفت شگرف و گسترش سریع اسلام ناشی از این بود که مرم سادگی، پاکی، دادگری، سلامت، استقلال، بی طرفی و برابری همگان از حاکم و محکوم گرفته تا زمامدار و رعیت را در قضاوت اسلامی مشاهده کردند. به گونه که حتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرمؤمنان (علیه السلام) خود، همراه با طرف دعوای شان بی آن که میان خود و ایشان تفاوتی قائل شوند، در دادگستری حضور می‌یافتند.

وظایف قاضی

آری، در گذشته قاضی، همان گونه که اسلام تکلیف او را مشخص کرده بود، مانند یک فرد معمولی در مسجد یا یکی از مکان های عمومی برای خدمت به مردم حضور می‌یافت تا در دسترس و حضور همگان باشد و بر اساس گفتهٔ شهود و دلایل موجود. یا طبق سوگند «قسامه» میان آنان داوری نماید. گاهی نیز، بر اساس برخی قرائن و شواهد دیگری که کاشف از اصل دعوا و ماهیت آن قضاوت می کرد، که این گونه قضاوت ها، بر حسب موازین اسلامی مذکور در باب قضاوت انجام می گرفت.

در یک مرحله از تاریخ اسلام، مسئولیت قضاوت یکی از قاضیان که در شهر بزرگ و پر جمعیت کوفه قضاوت می کرد، بسیار طولانی شد به طوری که از زمان عمر بن الخطاب تا زمان عبدالملک بن مروان ادامه پیدا کرد. این فرد در تمام این مدت قاضی بود، و شیوهٔ کار او بدین گونه بود که در مقابل مردم و بی هیچ پرده پوشی و این دست آن دست کردن و سهل انگاری در مسجد حضور می‌یافت ودر بین مردم به داوری می‌پرداخت. یکبار به مسجد نیامد و در خانه بین دو نفر داوری کرد. چون این خبر به امام علی (علیه السلام) رسید او را بابت این کار سرزنش نمود و به وی دستور داد تا برای قضاوت در مسجد و میان مردم حضور یابد. در صدر اسلام دادگاه اسلامی این گونه بود و قاضی دور از هر آلودگی به ساده ترین شکل و سریع ترین وجه ممکن، به حل مشکلات و اختلافات مردم می‌پرداخت.

اما امروزه همهٔ این مزایای نظام قضایی اسلام از بین رفته، پاکی و عدالت از شرایط قضاوت محسوب نمی‌شود. قضاوت بی نهایت

پیچیده شده و نه تنها اغلب غیر اسلامی شده است، بلکه همان گونه که در همهٔ کشورهای اسلامی شاهدیم، براساس قوانین وارداتی غرب یـا شـرق، یا براساس قوانینی است که قانون گـذاران آن به نظام قضائی اسـلام اعتقادی ندارنـد و یا بی اطلاع از احکام قضایی اسلام هستند، قضاوت می کنند.

جامعه و سیاست در اسلام

اسـلام میخواهـد، مسـلمانان در سایـهٔ رحمت و رافت و قوانین حکیمـانه و عادلانـه اش، سـروری، پیشوایی، بزرگی و عظمت یـافت، رهبری ملت‌ها را در دست گیرنـد. و برای تحقق این مهم آن را امر فرموده که با یکـدیگر وحدت و یکپارچگی و برادری داشـته در راه تشکیل امت واحده گام بردارند، و نیز ایشان را از تفرقه و از هم گسستن منع فرموده است.

مسـلمانان نیز، دسـتورات اسـلام مبنی بر یگانگی و برادری و امت واحـده را گردن نهاده از تفرقه و جـدایی خودداری می کردنـد. و بـدین ترتیب همـان گونه که اسـلام برای آنان می‌خواست سـروری جهان و رهبری ملت‌ها را در دست داشـتند، در حالی که امروزه پس از آن که مسـلمانان اوامر اسلام در این زمینه را واگذاشته و برعکس گرد منهیات دین گشتند، زیر دست و دنباله رو، ستم کش و ظلم پـذیر، بیچـاره و آواره، و خوارتر و نگون بخت تر از بردگـان شـده انـد، و این سـزای روی برتـافتن مسـلمانان از تعالیم مترقی اسلام است.

پس همـان طور که گفته شـد مسـلمانان صـدر اسـلام، مقررات اسـلامی را مو به مو اجرا می کردنـد و این آیه قرآن را سـرلوحهٔ کار خویش قرار می‌دادنـد که می‌فرماید: «و ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاتقون» و بر این اساس بود که نه از تفاوت های قومی و قبیله ای خبری بود و نه از مرزهای جغرافیایی و درگیریهای مرزی، گرچه مسـلمانان در گسترهٔ سـرزمین های اسلامی، حکومت های متعـددی داشـتند امـا متصـرفات متعـدد آنـان بر اسـاس یک حکومت مرکزی اداره می‌شـد، و لـذا مسـلمانان با آزادی کامل در پهنهٔ سرزمین اسـلامی سـفر می کردند و به آسانی از دیاری به دیار دیگر می‌رفتند بی آن که نیاز به گذرنامه و خروجی و امثال آن داشته باشند.

نمونه ای از امت واحده

این جانب شـصت سال پیش از این، شـخصا نمونه هایی از این مظاهر اسـلامی که قرآن به آن دسـتور می‌دهد را، شاهد بودم، زمانی که بین عراق و دیگر کشورهـای اسـلامی ماننـد: ایران، کویت، بحرین، عمـان، حجـاز، سوریه، لبنـان و سـایر کشورهـا، ماننـد امروز مرزهای جغرافیایی ساختگی وجود نـداشت، هم چنان که در آن دوران کشور پهناور هنـد نیز چنین بود. به طوری که مسـلمانان هند از آن خطـه دور دسـت بـه عراق می‌آمدنـد و مردم عراق نیز برای گردشـگری و یـا تجـارت بـدون هیـچ مـانعی بـه آن سامـان سـفر می کردنـد، به همـان سـادگی که امروز یـک فرد عراقی از نجف به کربلا، یا از کربلا به کاظمین و سامرا و از آن جا به بغـداد، یا از بغـداد به بصـره سـفر می کنـد، و خوب به خاطر دارم که چگونه مردم از دورترین نقاط با آزادی کامل به عراق آمـده و از آن جا به حج رفته، سـپس به عراق بازگشـته و عازم کشورها و شـهرهای خود می‌شدند، و یا از حجاز و سایر کشورهای اسـلامی برای زیارت عتبات مقـدسه و مراقـد مشـرفه به عراق می‌آمدنـد بـدون این که نیازمنـد گذرنامه یا اجازهٔ ورود و خروج باشـند و یا موانع کاذب و مرزهای ساختگی جغرافیایی مانع آنان گردد.

اما برعکس، امروزه کشورهای غربی امت واحده تشکیل داده اند. مرزها را از میان برداشته و شناسـنامه و گذرنامه را کنار گذاشـته اند و زمینه را برای تشکیل امتی واحده فراهم آورده اند، در حالی که مسـلمانان تمام این‌ها را ترک کرده اند و مصداق هشدار امام علی بن ابی طالب (علیه السـلام) واقع شـده انـد. آن گاه که مسـلمانان را از پیامـدهای روی گردانی از قرآن و تعالیم اسـلام بر حذر

داشت و فرمود: «والله الله فی القرآن، لا یسبقنکم بالعمل به غیرکم».

مسلمانان و برادری اسلامی

یکی دیگر از دستورات اسلام، برادری اسلامی است که مسلمانان به آن پای بند بودند. بر این اساس یک فرد مسلمان، دیگر مسلمانان، چه مرد و چه زن را برادر و یا خواهر دینی خود می‌دانست و خدای متعال نیز می‌فرماید: «انما المؤمنون اخوه».
و هم چنان که تاریخ نگاران نگارش کرده اند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز دو بار میان مسلمانان پیوند برادری ایجاد کرد. یک بار در مکه و بار دیگر در مدینه. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه بین مهاجران و انصار برادری برقرار کرد. در نتیجه هر یک از مهاجران با یکی از انصار برادر شدند و این به روشنی گویای آن است که یکی از وظایف نظام تعدد ارا و احزاب آزاد، که رمز پیشرفت و شکوفایی یک ملت است، همانا حفظ شؤون برادری در میان یکایک آن ملت و نیز پاس داشتن حقوق برادری در تعامل آن با یکدیگر است. هم چنان که انصار و مهاجران نیز این شؤون و حقوق را حفظ و رعایت می کردند. درست عکس آنچه امروزه در بین گروه های اسلامی مشاهده می‌شود. این‌ها همدیگر را ضایع می کنند و به هیچ وجه به اصول اولیه تعدد آرا و احزاب، که اسلام برای آنان ترسیم نموده پای بند نیستند، لذا زمانی که با یکدیگر در ستیزند نمی‌توانند از اسلام دم زده، و یا خود را به مسلمانان نسبت دهند، چرا که با این سوء نیت و بدرفتاری خود، چیزی جز بدنامی نصیب اسلام و مسلمانان نمی کنند، در حقیقت آنان با رفتار ناپسند خود، برادری اسلامی را که آیین اسلام بر مسلمانان واجب کرده است، زیر پا گذاشته اند.
باری، مفهوم برادری اسلامی، همان رفتاری است که انصار با برادران مهاجر خویش داشتند، خانه به آنان دادند و آن‌ها را مهمان خود نمودند، و همهٔ نیازمندی های اولیهٔ زندگی را در اختیار و دسترس مهاجرین قرار دادند، و آنان را در کسب و کار و تجارت، کشت و زراعت، و حرف و صنعت و غیره سهیم نمودند.
امروز کمترین حد پای بندی به همبستگی اسلامی این است که: چنانچه مسلمانی از هر نقطهٔ جهان، به کشوری اسلامی مسافرت کرد و در آنجا ساکن شد، مسلمانان آن سامان با او به گونه ای رفتار و برخورد نمایند که با همدیگر رفتار و برخورد می کنند.

آزادی های جامعهٔ مسلمان

در باب آزادی های اسلامی، مسلمانان همین وضعیت را داشتند یعنی در هر شهر و یا کشور اسلامی که وارد می‌شدند در همهٔ زمینه‌ها به جز محرمات، که تعداد آن‌ها بسیار اندک بود، آزادی کامل داشتند. به طوری که قرآن کریم نیز به این مسئله اشاره نموده می‌فرماید: «الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراه و النجیل یامرهم بالمعروف و ینهیهم عن المنکر، و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم» و مراد از اصرا در آیه شریفه همان بار سنگینی است که فرد به سبب عادات و آداب و رسوم نادرست رایج در جامعه متحمل می‌شود. همین طور که مراد از اغلال همان قوانین دست و پاگیری است که انسان را در بند کرده و او را از رهایی، آزادی و پیشرفت باز می‌دارد.
آری، مسلمانان در زمینه هایی همچون امت واحده، اخوت دینی و ازادی های اسلامی، براساس دستورات اسلام عمل می‌نمودند، اما امروزه می‌بینیم به طور کامل برخلاف گذشته عمل می کنند. از این رو به جای این که امتی واحده باشند، ملت هایی از هم گسسته اند و به جای این که همچون برادرانی به همیاری یکدیگر بشتابند، چونان دشمنان خونی یکدیگرند و قوانین خود نوشته، دست و پایشان را بسته و مانع آزادی شان شده و به دنبال آن کارها، دشوار و پیچیده گشته است و به اجازهٔ دولت و پرداخت هزینه و مالیات و هزار و یک چیز دیگر از این قبیل بستگی دارد. تا جائی که بیشتر آزادی‌ها مانند آزادی کار و سفر، آزادی اندیشه و قلم، آزادی بیان و عقیده و دیگر آزادی های اسلامی از مسلمانان گرفته شده است.

آداب اسلامی

همان گونه که اسلام واجباتی همچون: نماز و روزه را، بر مسلمانان واجب دانسته و آنان را از ارتکاب محرمات همچون: دروغ و تهمت باز می‌دارد، همین طور از آنان می‌خواهد مستحبات مانند نظافت کردن و مسواک زدن را که یک سنت رسول خداست انجام داده و مباحاتی مانند: سیر و سفر را سفارش کرده «قل سیرو فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» و از مکروهات بپرهیزند، و به عبارتی دیگر اسلام از مسلمانان می‌خواهد به آداب اسلامی آراسته بشوند و از وارفتگی پرهیز کنند و به دنبال وارستگی باشند، هم چنان که آنان را به پای بندی احکام شرعی فرمان می‌دهد.

لذا، در روزگاران پیشین مسلمانان همان گونه که به احکام شرعی متعهد بودند، همین طور خود را به آداب اسلامی آراسته می‌کردند، با همهٔ فراوانی آن آداب، کوشش می‌کردند که انسان های مبادی آداب شوند. و برخی از آن آداب در کتاب الاداب و السنن آمده است که برخی از آنها عبارت اند از:

آداب تعلیم و تعلم، آداب کسب و کار، آداب سلامتی و بیماری، آداب معاشرت و همنشینی، آداب ازدواج، آداب بارداری و زایمان، آداب خوردن و آشامیدن، آداب خواب و بیداری، آداب سفر و حضر، آداب مرگ و احتضار، آداب کفن و دفن، آداب قبر و مزار، و دیگر آداب فردی و اجتماعی در این سرای و سرای باقی حتی پیش از تولد و پس از مرگ نیز مسایلی در این خصوص مطرح است.

آری، این آداب اسلامی ناشناخته شده بود و مسلمانان با شوق و اقبال فراوان به آن عمل می‌کردند، اما امروزه این آداب اسلامی در میان مسلمانان ناشناخته مانده و متروک و مهجور واقع شده است. و سخن شان این است که: فلان چیز مستحب است نه واجب، و فلان چیز مکروه است نه حرام، و همین طور،...

پیامدهای عمل نکردن به آداب اسلامی

یکی از بزرگان علما، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب دید، پیش رفت و پرسید: یا رسول الله، چرا مسلمانان صدر اسلام علی رغم تعداد اندکشان چنان پیشرفت عظیمی بدست آوردند، ولی ما با وجود فزونی تعدادمان تا این حد عقب مانده ایم؟! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در جوابش پاسخی فرمودند که مضمون آن چنین است:

مسلمانان نخستین احکام شرعی پنج گانه را به دو بخش تقسیم کرده بودند قسمت واجبات، مستحبات و مباحات، و تمام آنها را به جا می‌آوردند. و قسمت محرمات و مکروهات که هر دو را با هم ترک کرده بودند. در حالی که شما فقط به انجام واجبات و ترک محرمات اکتفا می‌کنید. اما نسبت به مستحبات و مباحات و مکروهات هیچ اهمیتی نداده، بلکه به طور کامل از آنها روی بتافته اید. در نتیجه این چنین عقب مانده اید.

حقیقت نیز همین است. و باید گفت این خواب از رؤیاهای صادقه و خواب هایی است که با واقعیت مطابقت دارد، زیرا آداب اسلامی که در برگیرنده مستحبات و مباحات و مکروهات است، ضامن قبولی واجبات شرعی و نیز اجتناب از محرمات دینی است، و زمینهٔ مناسب برای پیشرفت و شکوفایی را فراهم می‌آورد.

هم چنین عمل به مستحبات و ترک مکروهات فواید زیادی در پی دارد و موجب دفع زیان های فراوان می‌گردد.

سنت حجامت

بی تردید فرو گذاشتن سنت حجامت، یکی از عوامل افزایش آمار سکته در روزگار ماست. در حالی که اسلام آن را مورد تشویق

قرار داده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان معصوم علیهم السلام بر آن تاکید بسیار نموده اند و خود نیز حجامت کرده و دیگران را نسبت به آن سفارش می‌فرمودند.

از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سر، بین دو کتف، و پشت خود را حجامت می‌نمودند و اولی را «نافعه» دومی را «مغیثه» و سومی را «منقذه» می‌نامیدند.

و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «حجامت سر، مغیثه است و برای هر بیماری جز مرگ سودمند است». و این دو روایت بعلاوهٔ روایات دیگری که در باب حجامت وارد شده است مسئله «قمه زنی» را به عنوان همدردی با امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، پسندیده جلوه می‌دهد. چه این که قمه زنی، علاوه بر سود طبی، عملی عبادی، اخلاقی، و شعاری دینی، حسینی است.

از امام رضا (علیه السلام) نیز روایت شده است که فرمود: «خون در بدن انسان، به منزلهٔ بنده است، و چه بسا بنده ای، مولا و سرور خود را بکشد».

سنت ازدواج

در مورد سنت ازدواج نیز باید گفت: امروزه علت بروز بسیاری از بیماری ها، دوری جوانان از ازدواج بهنگام است. غافل از این که به تاخیر انداختن این سنت، باعث بیماری های مختلفی مانند تنگی نفس، التهاب مجاری ادرار، و اختلال در دستگاه های و مانند آن می گردد. که طب قدیم و جدید، جزئیات آن را به تفصیل بیان کرده اند، لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دربارهٔ اهمیت ازدواج و آسیب های تجرد و مفاسد آن این آیه را تلاوت می‌فرمود که: «الا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر». که ما از این آیه مبارکه آسیب های ناشی از تاخیر در امر ازدواج را نیز در می‌یابیم که برخی از آنها عبارت اند از: فساد و بی بند و باری، زنا، لواط، سحق، و سایر بیماری های جنسی شایع در میان مسلمانان امروز، که همگی آنها خانمان سوزند.

در یکی از کتاب های مربوط به سیرهٔ نبوی می‌خواندم که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگاه جوانی را می‌دید از او دو سؤال می‌پرسید: نخست از کسب و کارش می‌پرسید. اگر پاسخ می‌داد که کسب و کاری ندارد می‌فرمود: «از چشمم افتادی» سپس از ازدواجش می‌پرسید، اگر می گفت: ازدواج نکرده ام، می‌فرمود: «تو از برادران شیاطین و راهبان نصارا هستی».

در کتاب اسد الغابه روایتی دیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جویای ازدواج دختران جوان می‌شد چنانچه ازدواج نکرده بودند آنان را به ازدواج کسانی که هم شان آنان بودند در می‌آورد.

سنت های دیگر

به غیر از سنت ازدواج و حجامت، سنت های بسیار زیاد دیگری نیز وجود دارد که مرحوم رضی الدین طبرسی «قدس سره» برخی از آنها را در کتاب مشهور خود مکارم الاخلاق ذکر کرده است. هم چنین مرحوم علامهٔ مجلسی «قدس سره» بعضی از آن آداب و سنت های اسلامی را در کتاب معروف خود حلیه المتقین و باب های الروضه و العشره، الفکر و الایمان، از مجموعه بحارالانوار آورده است. و این جانب نیز بحمدالله موفق شدم برخی از آن آداب و سنت‌ها را در کتاب المستحبات و المکروهات گردآوری نمایم.

لطف پروردگار به انسان از طریق وضع قانون

در حقیقت، اسلام دین خدای متعال است که آفریننده انسان هاست، و آفریدگار انسان به خیر و صلاح وی، خواسته هایش، و آنچه موجب خوشبختی او در زندگی است، از دیگران آگاه تر است. به همین جهت اسلام قوانین و احکام پیشرفته ای آورده که با عقل و منطق مطابقت دارد، و به خواسته های فرد و جامعه، مرد و زن، کوچک و بزرگ، پاسخ می گوید، آدمیان را به تمام آنچه موجب خیر و صلاح شان است سفارش کرده و از آنچه باعث ضرر، و زیان شان است باز می‌دارد، به عنوان مثال قانون حرام بودن قمار، از این جهت است که باعث دامن زدن به دشمنی‌ها و کینه ورزی‌ها می‌شود و قانون حرام بودن گمرک و مالیات، از این رو است که آزادی کسب و بازرگانی و واردات و صادرات را از مردم می گیرد و قانون حرام بودن ربا، بدان جهت است که باعث اخلال در اقتصاد و طبقاتی شدن جامعه می‌شود. و قانون حرام بودن مالیات، به جز موارد چهارگانهٔ مالی که در صفحات گذشته به آنها اشاره شد، به علت آن است که بر مردم فشار آورده و سبب گرانی قیمت‌ها می‌شود.

این نمونهٔ برخی از احکام اسلامی دربارهٔ محرمات است، اما قوانین اسلام در جایز شمردن و حلال بودن امور، براساس مفاد حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) «الارض لله و لمن عمرها» می‌باشد.

براساس این حدیث مردم در مسئله مسکن در بحران قرار نمی گیرند، براساس این قانون، زمین از آن کسی است که آن را آباد کرده باشد. مانند: کشاورزی، درخت کاری، کندن چاه و قنات، ساختن خانه و مؤسسه و کارخانه، یا دیگر نیازمندیهای فردی و اجتماعی که از آن می‌توان بهره برداری کرد.

اما به شرط آن که از حدودی که در حدیث با کلمه لکم، مشخص شده است تجاوز نکند که ما آن امور را در برخی از کتاب هایمان ذکر کرده ایم.

و یا مانند قانون «من سبق الی ما لم یسبق الیه مسلم فهو احق به» هر کس زودتر از دیگران به چیزی دست یافت در مالک بودن به آن سزاوارتر است، این قانون در مورد امور مباح، اصلی است که مردم در آن برابرند، البته اسلام چنین تملکی را در حد نیاز می‌داند، چون، اگر افراد فراتر از حد نیاز مباحات را در اختیار خود داشته باشند میان آنان اختلاف پیش آمده در این صورت نظام اجتماعی از هم گسسته خواهد شد، از این گذشته مشهور میان فقها این است که مراد از واژه مسلم، در این روایت، آن کسی است که در سرزمین های اسلامی زندگی می کند اعم از مسلمان و ذمی و یا هم پیمان مسلمانان باشد. چنان که در گذشته نیز چنین بوده است.

سپاس گزاری نکردن مردم از خالق

امروزه این احکام در بین مسلمانان متروک و مهجور مانده است، هم چنان که امروزه در برخی کشورهای اسلامی دیده می‌شود دولت زمین را می‌فروشد و آن را وسیله ای برای تجارت و درآمد خود تبدیل می کند و گاهی نیز از آبادانی و ساخت و ساز در آن جلوگیری می کند و حتی گاهی جز با گرفتن پول اجازهٔ دفن میت نمی‌دهد، لذا همهٔ درب‌ها به روی مردم بسته شده است و در نتیجه بحران مسکن و غیره پدیدار گشته است.

اینجانب به خوبی بیاد می‌آورم که در حدود شصت سال قبل، چگونه مسلمانان عراق قانون «الارض لله و لمن عمرها» را تنفیذ می‌نمودند و لذا، زمین جهت خانه سازی، کشاورزی، درخت کاری، و بنای مؤسسات و موقوفات و حتی گورستان و دفن مردگان و غیره، برای عموم مردم آزاد و مباح بود و مردم در رفاه و آسایش و برکت و سعادت به سر می‌بردند.

زمین، در کشورهای خلیج و حجاز و دیگر کشورهای اسلامی، برای دفن مردگان و بنای قبرستان، بی هیچ وجهی در اختیار مردم قرار داده می‌شد، در حالی که در برخی از کشورهای اسلامی زمین را حتی برای گورستان و دفن مردگان نیز به فروش می‌رسانند و این برخلاف احکام اسلام و قوانین الاهی است. نیز این جانب به یاد دارم زمانی که مسئله قبر فروشی در عراق باب شد، یکی از

ادیان قصیده ای به نام دفتر اعزام به آخرت، سرود و آن را بدعتی در دین خواند. از یک روحانی، در رادیوی یکی از کشورهایی که حکومتش ادعای اسلامیت می‌کند سخنرانی می‌کرد، شنیدم که می‌گفت: دولت هم به اسلام و هم به قوانین موضوعه عمل می‌کند در حالی که هرکس اسلام را می‌شناسد می‌داند که تنها عمل کردن به احکام و قوانین اسلام، واجب است، اما قوانین ساخته دست بشر که برخلاف اسلام است، از این جهت که جایگاهی نزد مسلمانان ندارد باید کنار گذاشته شود. خدای متعال می‌فرماید: «ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون».

تشویق و تنبیه، ضامن اجرا

اسلام مجموعهٔ کاملی از احکام و قوانین فراگیری است که جامعهٔ انسانی را از فرد گرفته تا اجتماع، از قبل از تولد و بلکه پیش از انعقاد نطفه و حتی پس از مرگ در بر می‌گیرد. اما برای اجرای این قوانین فراگیر، باید ضمانت اجرایی نیرومندی وجود داشته باشد. لذا، اسلام تشویق و تنبیه را به عنوان انگیزه ای برای تنفیذ و ضمانتی برای اجرا قرار داده است. از این رو فرمان برداران را، به پاداش دنیوی و اخروی وعده داده است و نافرمانان را به کیفر دنیا و عذاب آخرت تهدید نموده و هشدار داده است. به عنوان مثال، حدود، قصاص و دیات از جملهٔ قوانین جزایی و احکام کیفرزی اسلام است که کاربرد تنبیهی و تهدیدی دارند.

البته علاوه بر شروطی که اسلام برای اجرای این قوانین جزایی مقرر کرده است، لازم برای تنفیذ این قوانین دو شرط عمومی دیگر نیز لحاظ گردد:

۱ اجرای تمام احکام اسلام و فراهم آوردن همهٔ آزادی های انسانی.

۲ قطع ریشه های فقر و بیماری، جهل و فرومایگی، و گسترش آگاهی و فرهنگ و نیز تندرستی و فضیلت در جامعه.

هم چنان که لازم است موارد استثنا که مانع اجرای آن قوانین می‌شود نیز در نظر گرفته شود، که فقیهان به تفصیل آنها را در کتاب های خود مانند مسالک الافهام و جواهر الکلام و غیره ذکر کرده اند و ما نیز پاره ای از آن موارد را در کتاب الفقه، آورده ایم. قوانینی که در نظر گرفتن آنها باعث می‌شود تا اجرای آنها از افراط و تفریط در امان بماند و برخی از مهمترین آن موارد عبارتند از:

اهم و مهم

برای اجرای قانون کیفرهای اسلامی، باید قاعدهٔ «مهم و مهمتر» را در نظر گرفت، بر این اساس اگر امری دایر بود بین مهم، مانند اجرای حد سرقت، و مهمتر مانند بدنام شدن اسلام، و متهم شدن آن به بی رحمی، در چنین موردی اهم، بر مهم، مقدم داشته شده و از اجرای حد سرقت صرف نظر می‌شود.

در سرزمین دشمن

هم چنین در سرزمین دشمن، حد جاری نمی‌شود. بنابراین چنانچه مسلمانی در زمین دشمن، یعنی در کشوری غیر اسلامی مرتکب خلافی شد که مستوجب حد بود، حاکم شرع بدون اجرای حد او را آزاد می‌کند.

اضطرار

ناچار بودن، یکی از موارد عدم اجرای حد است. بدین معنا که فرد از روی ناچاری مرتکب عمل خلاف شده باشد، مانند: سرقت در قحط سالی، و یا ارتکاب زنا برای رفع تشنگی، لذا امیرمؤمنان (علیه السلام) از آن زنی که در اثر شدت تشنگی ناچار از نوشیدن آب بود، ولی صاحب آب جز در برابر زنا، از آب دادن به او خودداری کرده بود، حد را بر آن زن جاری نکرد.

ناچار ساختن

یکی دیگر از موارد عدم اجرای حد ناچار ساختن و مجبور کردن فرد است. و روشن است که ناچاری غیر از اجبار است، و آن مانند این است که شخصی را با طناب بسته و با زور در گلویش شراب بریزند.

اکراه

هم چنین اگر ارتکاب جرم یا عمل خلاف از روی اکراه باشد، حد اجرا نمی‌شود، به عنوان مثال چنانچه فردی توسط ستمگری وادار به شرب خمر شود، حدی بر او نیست، زیرا اسلام کسی را که از روی اکراه مرتکب عمل شود، مؤاخذه نمی‌کند. و در اسلام عملی که از روی اکراه باشد مورد بخشش بوده و گناهی بر آن نیست. که این مسئله از فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث، رفع، استفاده می‌شود و آن حدیث مشهوری است که فقیهان و علمای اصول آن را در کتاب های فقه و اصول ذکر کرده اند.

ندانستن تکلیف

کسی که به وظیفه شرعی خود آگاه نیست بر او نیز حد جاری نمی‌شود، زیرا در اسلام حد بر کسی است که حرام را با علم به حرام بودن آن مرتکب می‌شود، و یا می‌داند که نباید این کار را انجام دهد. بنابراین، چنانچه از روی نادانی خمر بنوشد یا نماز نخواند گناه یا کیفری بر او نیست، لذا در تاریخ می‌بینیم شخصی شراب نوشیده بود و ادعا می‌کرد که آیه تحریم (خمر) را نشنیده و حرام بودن شراب خواری را نمی‌دانسته است، امیرمؤمنان (علیه السلام) دستور داد او را نزد قاریان قرآن ببرند و مسئله آن شخص را از آنان جویا شوند، پس چون قاریان گفتند که او این آیه را نشنیده، حضرت دستور داد حد بر وی جاری نشود.

شرط های دیگر

برای اجرای قوانین جزائی اسلام شروط دیگری هم در نظر گرفته شده است که در هنگام اجرا باید مد نظر باشد، و برخی علما برای اجرای پاره ای از آن احکام، بیش از چهل شرط را لازم دانسته اند، و روشن است که فراهم بودن همهٔ آن شرایط، اجرای حدود را به کاری شبیه محال تبدیل می‌کند، لذا به همین جهت موارد اجرای قوانین جزائی در صدر اسلام و بلکه در طول قرن های متمادی نیز از تعداد انگشتان دست فراتر نرفته است.

زندان و جریمه

اسلام به غیر از قوانین جزائی، زندان را نیز در نظر گرفته است، اما بسیار محدود و دقیق و حساب شده است، برای زندانی، در زندان هیچ گونه شکنجهٔ روحی و جسمی جایز نیست، و باید به دور از هر گونه فساد و انحراف باشد، بلکه در قوانین اسلامی، زندانی که باعث تربیت زندانی و تهذیب نفس و اصلاح اخلاق وی، و تعدیل کنندهٔ روش و رفتار او می‌گردد، وضع شده است.

جریمه نیز از جمله قوانین جزائی اسلام است که آن نیز بسیار محدود، و موجب تربیت فرد و تهذیب اخلاق وی را در پی داشته باشد. نه این که نسبت به وی اجحاف کنند و ستم نمایند به گونه ای که جلو هر نوع فعالیت فرد را گرفته، او را فقیر و تهیدست گردانند تا نسبت به همه چیز متنفر و بیزار و ناخشنود گردد. به غیر از زندان و جریمه، قانون دیگری نیز در مجموعهٔ قوانین جزائی

اسلام است که نه در محدوده قصاص و نه در دایره حد می گنجد، و آن تعزیر و تادیب، است، اما این حکم در چارچوب عقل و عطوفت اسلامی اجرا می‌شود. و همهٔ این‌ها برای حفظ حقوق فرد و جامعه و سالم ماندن جامعه از پرده دری است، از این گذشته برخی فقهای معاصر فتوا داده اند: زندانی در اسلام از سیزده دسته تجاوز نمی کند آن هم با شرایطی که باید فراهم شود.

افراط و تفریط

قوانین جزائی اسلام به دور از هرگونه افراط و تفریط است، هم چنان که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرمؤمنان علی (علیه السلام) که حاکمان اسلامی بودند و اجرای قوانین به عهده آنان بود، به این اصل عمل می کردند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) که زمان کوتاهی متصدی اجرای احکام الاهی بودند، به دور از هر گونه افراط و تفریط عمل می کردند. اما سایر امامان علیهم السلام حکومت ظاهری نداشتند که اجرای احکام بدست آنان باشد، بلکه، چیزی که از ایشان علیهم السلام به ما رسیده است روایات و احادیث است که فقیهان در کتاب های فقهی خود ثبت کرده اند و آن احادیث و روایات بیانگر سیرهٔ این بزرگواران و جدشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرمؤمنان (علیه السلام) است.

دیگرگونی در احوال مسلمانان

اسلام، همان اسلام است. لیکن این مسلمانان هستند که دگرگون شده اند، لذا از روزی که عمل به اسلام را واگذاشتند، مشکلات فراوان آنان را درمانده کرده است به گونه ای که آنان را مستاصل کرده و راه چاره ای برای ایشان باقی نگذاشته است، و این مصداق کلام خدای متعال است که می‌فرماید: «و من اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا». مسلمانان به خاطر روی گردانیدن از احکام و قوانین الاهی، سرزمین های هند و اندلس و فلسطین و دیگر سرزمین های اسلامی را از دست دادند. به گونه ای که در دنیای امروز، دیگر کشوری که در آن احکام اسلام اجرا شود وجود ندارد.

البته، برخی از کشورها، مدعی حکومت اسلامی هستند، اما روشن است که این ادعایی بیش نیست، زیرا، بیشتر قوانین آنها، قانون های غرب و شرق است که در همهٔ زمینه‌ها از جمله: مسئله زن، ربا، بی اعتنایی نسبت به سال خوردگان و سپردن ایشان به خانه های سالمندان و غیره و اجرا می‌شود.

از خداوند متعال خواهانیم عزت، سربلندی، سروری و کرامت مسلمانان را که باعث سعادت دنیا و آخرت ایشان است، به آنان بازگرداند.

والله المستعان

قم مقدسه

محمد شیرازی

غم نامه

در فقدان مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیه الله العظمی

سید محمد حسینی شیرازی (اعلی الله درجاته)

با تو از تو می گویم ای همیشه زنده در دل من، ای مرجع کبیر و ای ابر نویسنده قرن، روح بلندت در عین ناباروری به سوی حق شتافت و همگان را در این اندوه و ماتم عظمی بهت زده کرد.

در و دیوار ساده اتاقت چشم به راه قدومت می‌باشد، میز کوچکی بیش از هزار عنوان کتاب روی آن به رشتهٔ تحریر درآوردی چشم

به راه می‌باشد و قلمت، قلمی که سالیان سال با آن تبلیغ دین خدا کردی چشم به راه است بار دیگر آن را به دست گیری و بنویسی، از خدا و پیغمبر و علی.

اما صد افسوس و صد آه که اتاق کوچک و میز و قلمت هم باید چون من بگریند که دیگر از دیدار روی نورانی تو محرومند قلم باید خون بگرید که دیگر در بین انگشتان لاغر و نحیف تو که از فرط نوشتن اینگونه شده بودند قرار نخواهد گرفت. آیا مادر دهر چون تو فرزندی به خود خواهد دید؟.

محرومان و مظلومانی که از ایشان به حکم خدا و پیامبر حمایتها کردی اکنون باید در فراق تو خون بگریند، آری باید مصیبت از دست دادن چون تویی خون گریه کرد تو که از نسل پاک حسین به علی (علیه السلام) بودی و در مدت ۷۵ سال عمر با برکتت توانستی از خود در تاریخ اثری تابناک بگذاری همان گونه که اسلافت همچون آیت الله العظمی میرزا حسن شیرازی با فتوای مشهور تحریم تنباکو و آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی با رهبری انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۲۰ م و پدر بزرگوارت آیت الله العظمی میرزا مهدی شیرازی از این سلسله جلیل القدر آثار باقی گذاشتند که منحصر به فرد می‌باشد.

حوزه های علمیه و علماء باید در فقدان چون تویی اشکها بریزند تویی که در شهر مقدس نجف اشرف دیده به جهان گشودی و ۹ سال در کنار مرقد شریف امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (علیه السلام) زندگی کردی و از فضای مقدس نجف و حوزهٔ آن کسب فیضها نمودی و پس از آن خود را به کنار تربت پاک حسین (علیه السلام) در کربلا رساندی تویی که سالیان سال پشت درب بستهٔ حرم سیدالشهدا (علیه السلام) هر روز به انتظار و با ادب کامل می‌ایستادی تا اولین زائر هر روزهٔ او باشی و بالاخره پس از ۲۴ سال تلاش بی وقفه و بهره مندی از عنایات سیدالشهدا (علیه السلام) توانستی پرچم مرجعیت را در سن ۳۳ سالگی به دوش گیری.

اما افسوس که همیشه بی خردان و جاهلان تحمل پذیرش حق را نداشته اند و ندارند و همین تاریکی و ظلم باعث شد تا در سن ۴۴ سالگی جوار حسین (علیه السلام) را ترک نمایی و ابتدا به سوریه، لبنان و پس از آن به کشور کویت بروی، آری اگر چه ترک جوار ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) امر آسانی نیست ولی تو چون شمع هستی سوختی تا دیگران از نور تو که حسین (علیه السلام) به تو عطا کرده بود کسب نور نمایند.

برای تو از حسین گفتن و از خدا ملاک بود نه مکان و زمان و شرایط، تو ۷۵ تمام برای اسلام شعله ور بدی ۴۳ سال در عراق، ۹ سال در کویت و بالاخره ۲۳ سال در ایران.

علم تو، خلق تو، حلم تو، ارادهٔ عجیب تو، بیان تو، قلم تو و همه چیز تو مرا به حیرت واداشته است.

نوشتن موسوعه ای در فقه با بیش از ۱۵۰ جلد و صدها جلد کتاب دیگر و هزاران سخنرانی و خدمات گوناگون و گسترده به جهان اسلام نه تنها مرا که دوست و دشمن را به تعجب واداشته است. و بالاخره چه سرانجام زیبایی. تو مصداق این روایت پیامبری که فرمود: «بهترین شما کسی است که در جایی بمیرد که در حال تعلیم قران و یا در حال تعلم آن از دنیا برود» تو نیز تا آخرین لحظات عمرت در خدمت قرآن و خدا بودی و در لحظاتی قبل از سفرت به آخرت در شب عید سعید فطر مردم را ارشاد کردی و در آخر لحظات عمرت هم برای ارشاد مردم دست به قلم، در خدمت خدا و پیامبر بودی.

تو اگرچه از این دنیا که گذرگاهی بس خطرناک است به سلامت عبور کردی و غمی عظیم بر دلهایمان گذاشتی ولی نظریات ناب اسلامی تو همیشه در جهان باقی خواهد ماند چراکه ریشه در نور خدا دارد نظریاتی همچون شورا در اسلام، آزادی در اسلام، ممالک اسلامی بدون مرز، تجارت اسلامی، اقتصاد اسلامی و غیره...

و اگرچه از دست دادن تو ضایعه ای بس اسفناک است اما وجود درخشان مرجع عظیم الشان آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی (دام ظله) مرا امیدوار می گرداند و به من نوید تداوم خط فکری تو را می‌دهد، او نیز بر دلها تسلی خاطر می‌دهد و آرامش را به قلوب می‌آورد.

(وسلام علیک یوم ولدت و یوم مت و یوم تبعث حیا)

پی نوشتها

۱ اگر اجزاء یک کل از بین برود، خود آن کلی نیز از بین خواهد رفت.

۲ «آیا شما به پاره ای از کتاب (تورات) ایمان می‌آورید، و به پاره ای کفر می‌ورزید؟ پس جزای هرکس از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز ایشان را به سخت ترین عذاب‌ها باز برند، و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست.» سوره بقره، آیه ۸۵ و ۸۶.

۳ «در نتیجه داد و ستدشان سودی به بار نیاورد» سوره بقره، آیه ۱۶.

۴ بهره ای اندک در دنیا دارند، سپس بازگشتشان به سوی ماست. آن گاه به سزای آن کفر می‌ورزیدند، عذاب سخت به آنان می‌چشانیم.

۱ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت. سوره طه، آیه ۱۲۴.

۱ و خداوند آنان را که کفر ورزیدند، بی آن که به مالی رسیده باشند، با غیظ و حسرت برگرداند. سوره احزاب، آیه ۲۵.

۱ فروپاشی اندلس، در حدود شش قرن پیش اتفاق افتاده است.

۲ پس مستقیما به سوی او بشتابید. سوره فصلت، آیه ۶.

۳ «همان کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند و از او می‌ترسند و ازهیچ کس جز خدا بیم ندارند. و خدا برای حسابرسی کفایت می کند». سوره احزاب، آیه ۳۹.

۴ محققا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد. سوره احقاف، آیه ۱۳.

۱ مانند آتاتورک در ترکیه، یاسین هاشمی در عراق و پهلوی در ایران.

۲ و به راستی اگر ارادهٔ بیرون رفتن داشتند، قطعا برای آن ساز و برگی تدارک می‌دیدند. سوره توبه، آیه ۴۶.

۳ ولی خداوند راه افتادن آنها را خوش نداشت، پس ایشان را منصرف گردانید و به آنان گفته شد: باماندگان بمانید. سوره توبه، آیه ۴۶.

۴ کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند. سوره حج، آیه ۴۱.

۵ نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است. سوره نساء، آیه ۱۰۳.

۶ و کسانی که در اموالشان حقی است معلوم، برای سائل و محروم. سوره معارج، آیه ۲۴ و ۲۵.

۱ پرداختن به نماز و عبادت در برخی از مسلمانان به طوری بود که بیشتر وقت خود را به آن پرداخته و زن و فرزند و کسب و کار را رها کرده بودند. اما رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را از این کار به شدت باز داشت و به شدت فرمود: «لارهبانیه فی الاسلام»، «در اسلام رهبانیت نیست».

۲ صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان گردآوری و پخش آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود، و در راه آزادی بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به درمانده، اختصاص دارد. این به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است. سوره توبه، آیه ۶۰.

۳ و برای خدا، حج آن خانه، بر عهدهٔ مردم است، البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۴ و در راه خدا چنان که حق جهاد در راه اوست جهاد کنید. سوره حج، آیه ۷۸.

۵ و در راه خدا جهاد نمایید، باشد که رستگار شوید. سوره مائده، آیه ۳۵.

۱ «و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید، اگر بدانید، این برای شما بهتر است». سوره توبه، آیه ۴۱.

۲ و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدان نمی‌توانستید برسید به یقین پروردگار شما روؤف و مهربان است. سوره نحل، آیه ۷.

۱ و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید. سوره مائده، آیه ۲.

۲ سوگند به عصر غلبهٔ حق بر باطل، که واقعا انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند. سوره عصر، آیه ۱۳.

۳ و باید از میان شما، گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند، و آنان همان رستگارانند. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۴ و باید از میان شما، گروهی باشند.

۵ مشهور فقها امر به معروف و نهی از منکر را واجب کفایی می‌دانند.

۱ سهم پسر، چون سهم دو دختر است. سوره نساء، آیه ۱۱.

۱ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمند ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲ مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای همهٔ آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است. سوره احزاب، آیه ۳۵.

۳ مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج سید مهدی شیرازی که یکی از مراجع تقلید زمان خویش بود.

۴ این عمل را بعضی بنا بر احتیاط، انجام می‌دادند.

۱ و آنان که دامان خود را حفظ می‌کنند. و تنها با همسران و کنیزان خود در می‌آمیزند که در این صورت نکوهشی بر ایشان نیست. سوره مؤمنون، آیه ۵ و ۶.

۱ بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. سوره نور، آیه ۳۲.

۲ ازدواج کنید و زاد و ولد نمایید تا فزونی یابید، چرا که من به تعداد شما ولو فرزند سقط شده ای هم که باشد، بر دیگر امت‌ها مباهات می‌کنم. اصول کافی، ج ص

۱ البته پوشیده نماند این حدیث که مهر فاطمه زهرا (س) را سی درهم ذکر می‌کند با احادیث دیگری که مهر السنه را نزدیک به پانصد درهم می‌دانند منافاتی ندارد. چرا که در آن زمان، بهای درهم و دینار در مناطق مختلف، متفاوت بوده است هم چنان که امروز نیز بهای درهم و دینار در کشورهای مختلف، متفاوتند مانند درهم اماراتی، درهم کویتی، درهم عراقی، و درهم اردنی و...

۱ در اصطلاح «قضا» به شهودی می‌شود که در اثبات ادعای خود سوگند یاد می‌کنند.

۲ و این طبق فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که فرمود: «انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان» من براساس بینه و سوگند، بین شما قضاوت می‌کنم.

۱ در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه و یکپارچه است، و من پروردگار شمایم، پس از من پروا دارید. سورهٔ مؤمنون، آیه ۵۲.

۲ مانند حکومت عثمانیان در ترکیه، صفویان و قاجار در ایران، در دوران اخیر.

۳ نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۴۷، ص ۴۲۲، قطع جیبی.

۱ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲ کسانی که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده ای که نام او را در نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می کنند، همان پیامبری که آنان را به کار پسندیده ای فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاك را حرام می گرداند، و از دوش آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است بر می‌دارد ... سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۱ کتابی که مولف محترم، حضرت آیت الله العظمی شیرازی آن را تالیف کرده اند.

۱ اگر این دستور را به کار نبندید، در زمین فتنه و فسادی بزرگ پدید خواهد آمد. سوره انفال، آیه ۷۳.

۱ زمین از آن خداست و هرکس که آن را آباد نماید. در بعضی نسخه‌ها دنباله حدیث چنین آمده است: «ثم انها لکم منی ایها المسلمون» پس ای مسلمانان هرکس زمینی را آباد نماید، من آن را برای او قرار دادم.

۱ و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد، مگویید «این حلال است و آن حرام» تا بر خدا دروغ بندید، زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند. سوره نحل، آیه ۱۱۶.

۱ قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «رفع عن امتی تسع » ... رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نه چیز از امت من برداشته شده است...

۱ و هرکس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم. سوره طه، آیه ۱۲۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دستش رسیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای

